



بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱) - 30 / فروردین / 1396

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقیة الله في الارضين.

عیدتان مبارک ؛ روز ارتش مبارک ؛ سال نو مبارک ؛ عید مبعث در بیست و هفتم رجب و عید ولادت مولا در سیزدهم رجب بر شما و همچنین بر خانواده‌های محترمتان، فرزندانان، همسرانتان مبارک باد، که در واقع خانواده‌ها و همسران، هم‌زمان شما هستند در عرصه‌های دشوار زندگی که یک سرباز به معنای واقعی کلمه زندگی‌اش سرشار از سختی‌ها و فشارها و مجاهدتها و مانند اینها است ؛ همسرانتان و فرزندانان که در چنین شرایطی با شما همدلی و همراهی میکنند، حقیقتاً هم‌سنگران و هم‌زمان شما هستند.

یکی از بهترین و هوشمندانه‌ترین کارهای بزرگ امام عزیزمان، تعیین روز ارتش بود ؛ این کار همچنان که پایه‌ی ارتش را محکم کرد، ریشه‌ی ارتش را در [این] سرزمین مستحکم کرد، خیلی از توطئه‌گران و خیال‌پردازان را مأیوس کرد ؛ آنها فکرهای دیگری کرده بودند. تعیین روز ارتش از طرف امام به این معنا بود که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، ارتش را با همین هویت، با همین مجموعه قبول دارد و تأیید میکند. خوب، آن هویت از لحاظ مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و تشکیلات‌شناسی قابل تأمل بود ؛ یعنی یک بدنه‌ی مسلمان و مؤمن مثل بقیه‌ی مردم و یک رأس نامطمئن و احياناً خُلل و قَرَجی در درون سازمان ؛ این‌جوری بود. اما امام برای اینکه هرگونه توطئه‌ای را در مورد نیروهای مسلح و ارتش جمهوری اسلامی خنثی بکند، روز ارتش را معین کرد ؛ یعنی من همین ارتش را، با همین خصوصیاتش قبول دارم و نظام اسلامی [هم] قبول دارد. حالا بنده که ده‌ها بار، ده‌ها جلسه در خصوصیات ارتش با امام (رضوان الله علیه) صحبت خصوصی کرده بودم - یا دو به دو یا با حضور بعضی دیگر - میدانم این فکر قلبی و عمیق امام بود که باید ارتش را حمایت کرد، باید ارتش را حفظ کرد، باید ارتش را تقویت کرد که انصافاً فکر درستی بود.

همین ارتش در همه‌ی قضایای بعد از انقلاب درخشید ؛ حالا [اگر] انسان بخواهد یکی یکی بعضی از قضایا را بیان کند دشوار میشود. مثلاً در مقابل توطئه‌های درون‌ارتشی، بیش از همه، خود ارتش ایستاد ؛ این خیلی مهم است. خیلی‌ها بودند - الان هم هستند - که در سازمانهای وابسته‌ی به نظام جمهوری اسلامی از درون میخواهند اختلال به وجود بیاورند ؛ خوب آن روز بیشتر هم بود ؛ هم انگیزه‌ها بیشتر بود، هم تلاشها بیشتر بود. میخواستند از درون ارتش، برای ارتش مشکل درست کنند ؛ یعنی از ارتش یک هویتی ناسازگار با نظام اسلامی بسازند ؛ کسانی میخواستند این کار را بکنند. آن کسی که بیش از همه با این انگیزه، با این اخلال مواجه شد و مقابله کرد، خود ارتش بود! هیچ نیروی بیرون ارتشی - چه نیروی اطلاعاتی، چه نیروی نظامی - نمیتوانست با یک چنین توطئه‌ای در مقابل نیروهای مسلح مقابله کند ؛ خود ارتش میتواند، خود ارتش هم ایستاد. حالا این یک نمونه ؛ از این قبیل فراوان است.



تجربه‌ی ارتش در دوران دفاع مقدّس، تجربه‌ی انصافاً افتخارآمیزی است. این را بنده که از نزدیک شاهد بودم، دارم به شما میگویم. خیلی از شما جوانید و آن دوران را درک نکردید - یا در ارتش نبودید، [حتّی] بعضی‌هایتان متولد نشده بودید- ما خب از نزدیک میدیدیم؛ ارتش نقشهای خوبی ایفا کرد و جلوه‌های خوبی نشان داد؛ حالا غیر از نقش ایفا کردن در زمینه‌ی نبرد و رزم و کارهای جنگی، یک چیزهای شیرینی از خود نشان داد. مثلاً باز از باب مثال اگر عرض کنم، افرادی از ارتش نشان دادند که در یک سطوح بالای معنوی و اخلاقی قرار دارند؛ این را عملاً نشان دادند. خب در مقام حرف همه‌مان حرف میزنیم؛ بنده را هم که از خدا و قیامت و بهشت و جهنم این‌همه میگویم، باید در هنگام حادثه امتحان کرد، تجربه کرد و دید چقدر واقعاً از خدا میترسم، چقدر ملاحظه میکنم، چقدر از جهنم [میترسم]؛ این است دیگر؛ باید در عمل مشاهده کرد.

ما آدمهایی را در ارتش داشتیم و داریم که اینها در عمل نشان دادند که در سطوح بالای معنویّتند؛ یکی‌اش همین صیّاد شیرازی، یکی‌اش همین بابایی. از این قبیل کم نداریم؛ حالا این افراد معروف و نامدار را من اسم آوردم؛ از این قبیل زیاد داریم. بنده نمونه‌هایش را در خود اهواز که مدتی آنجا بودیم دیدم و از نزدیک مشاهده کردم. من بارها گفته‌ام اینها را که نیمه‌ی شب بود، بنده از یک تپیی در اهواز - که به قدر یک گردان بیشتر استعداد نداشت - داشتم بازدید میکردم، پهلوی تانک، نظامی مسئول تانک ایستاده بود نماز شب میخواند. چه کسی در آن بیابان، در آن هوای سرد به این فکر می‌افتاد؛ نیمه‌ی شب، وسط زمستان ایستاده بود و نماز شب میخواند. آن وقت‌ها هنوز این حرفهایی که حالا رایج است، گریه‌ها و بچه‌های بسیجی و مانند اینها، خیلی باب نشده بود که ما اینها را از نزدیک دیدیم. یا به نظرم آن سرگردی یا سرهنگ دوّمی بود که آمد پیش من با حال تأثر و نزدیک به گریه، که بنده خیال کردم میخواهد از من درخواست کند که به او مرخصی بدهیم؛ مثلاً نگرانی دارد و میخواهد مرخصی بگیرد و از اهواز برود. آمده بود و درخواستش این بود که شماها یک کاری بکنید که شبها که این جوانهای داوطلب با آقای چمران میروند برای به قول خودشان شکار تانک، من هم با اینها بروم. میشد فکرش را بکنید؟ یک افسر ارشد - حالا درجه‌اش درست یادم نیست؛ بگوئید سرهنگ دوّمی بود، در همین حدودها - می‌آید و داوطلبانه میخواهد با جوانهای بسیجی که از تهران آمده‌اند و میخواهند شبها بروند در تاریکی یا با استفاده‌ی از تاریکی، ضربه‌های نقطه‌ای به دشمن بزنند - آن وقت این جوری بود، اوایل جنگ این جوری بود - همکاری [کند] و از این قبیل.

خب، ارتش هویت خودش را نشان داد. من میخواهم به شما این را عرض بکنم، امروز ارتش ما یک ارتش فکری، یک ارتش معنوی و یک ارتش دارای انگیزه‌های پاک و مقدّس است؛ این خیلی باارزش است. [اگر] شما نگاه کنید به نیروی نظامی خیلی از این کشورها، [می‌بینید که] درندگی و وحشی‌گری و سبعیّت کأنه جزو ذاتشان است. نیروی نظامی که از او توقع آن جور برخوردها می‌رود، بتواند در میان خود، افراد اخلاقی، افراد پاک، افراد والا، جوانهای مؤمن، انگیزه‌های پاک، در بخشهای مختلف ارتش تربیت کند، [خیلی باارزش است] که این را امروز ما داریم مشاهده میکنیم. این به نظر من یکی از مهم‌ترین آثار کاری بود که امام بزرگوار در تعیین روز ارتش کرد.

خب، پیام من به همه‌ی آحاد ارتش این است که قدر این موقعیّت را بدانند، قدر این جور خدمت کردن را بدانند. خدمت رزمی میکنید در یک سازمان رزم، حضور فعّال دارید، خدای متعال [هم] این را پای شما به‌عنوان حسنه مینویسد و ثواب میکنید؛ این خیلی چیز باارزشی است، قدر این را بدانید؛ این حالت را حفظ کنید. آمادگی‌های معنوی و روحی و انگیزه‌ای خودتان و عناصر زیردستان را روزبه‌روز افزایش بدهید.



امنیت برای یک کشور خیلی مهم است. گاهی در یک کشوری نان نیست، قحطی است، مشکلات هست، ناامنی [هم] هست؛ اگر به مردم بگویند نان میخواهید یا امنیت، قطعاً امنیت را ترجیح میدهند؛ یعنی همان چیزی که دخالت ابرقدرت‌ها در منطقه‌ی ما و خیلی از مناطق دیگر موجب شده است که ضعیف شده. یعنی فرض بفرمایید اتوبوسی که حرکت میکند از یک جا به جای دیگر، خاطر جمع نیست که ساکنان آن و کسانی که در آن سوار هستند، بتوانند بسلامت به مقصد برسند و مورد تهاجم دشمن قرار نگیرند؛ در خیابانها همین‌جور، داخل منازل همین‌جور؛ اینها مهم است. امنیت خیلی مهم است. نقش نیروهای مسلح در ایجاد امنیت نقش مهمی است. ارتش ممکن است هیچ تحرکی هم از لحاظ امنیتی نداشته باشد، اما هرچه شما مقتدرتر و قوی‌تر باشید، نفس اقتدار ارتش در کشور ایجاد امنیت میکند. امنیت کشور را نیروهای مسلح و اقتدار آنها و توانایی‌های آنها و پُرانگیزی آنها تأمین میکند. این از جمله‌ی مسائل مهم است.

پیغام من به همه‌ی عناصر ارتشی این است که هرچه میتوانند، این توانایی‌ها را افزایش بدهند؛ هرکسی در هر جا که هست. حتی یک نگهبان ساده‌ای هم که یک پُست نگهبانی دارد، میتواند در تقویت ارتش مؤثر باشد. یعنی وقتی خوب نگهبانی داد، دچار کسالت نشد، چشمانش را تیز در جایی که باید بچرخاند چرخاند، این به همان اندازه دارد کمک میکند به تقویت سازمان مسلح؛ چه ارتش باشد، چه سپاه باشد، چه هر سازمان دیگری باشد؛ تا برسد به فرماندهان، تا برسد به سازندگان، تا برسد به نگه‌دارندگان، تا برسد به انبارداران، تا برسد به تولیدکنندگان، و تا برسد به طراحان و راهبردها و مانند اینها. اینها همه میتوانند تأثیر داشته باشند در تقویت سازمان نظامی. بنابراین این را قدر بدانید که هرکدامتان هر حرکتی را در این جهت انجام بدهید، کاری مطابق رضای الهی و یک حسنه‌ای انجام داده‌اید.

و انسانهای برجسته‌ای را که میتوانند الگو باشند، در بین خودتان افزایش بدهید؛ یعنی همه سعی کنند. یعنی واقعاً شهید بابایی الگو است؛ یک الگوی اخلاقی و نه صرفاً یک الگوی نظامی، یک انسان مقدّس است؛ شهید صیّاد همین‌جور؛ و خیلی‌های دیگر از اینهایی که حالا اسم بعضی‌شان را هم انسان به یاد نمی‌آورد و بعضی را اصلاً نمی‌شناسیم، فراوان در ارتش وجود داشته‌اند و حضور داشته‌اند. این نمونه‌ها را روزبه‌روز در داخل این سازمان معظّم و محترم و دارای شوکت مادی و معنوی افزایش بدهید.

خب، گفته شد که [لشکریان] حصار امنند؛ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ. این نکته مهم است که بدانیم حصن رعیت و حصار رعیت فقط نیروهای مسلح نیستند، نیروهای مسلح از جمله‌ی مهم‌ترین حصارهای امنیت رعیتند؛ که این هم به‌اذن‌الله [است]؛ فَالْجُنُودُ يَأْذَنُ اللَّهُ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ. (۲) دستگاه‌های مختلف همه میتوانند در این جهت با ارتش همراه و همگام باشند؛ دستگاه‌های اقتصادی، دستگاه‌های فرهنگی، دستگاه‌های آموزشی، دستگاه‌های تحقیقاتی؛ مجموعه‌ی کشور. آنچه ما از دستگاه‌های مختلف انتظار داریم، همین است؛ همه سعی کنند مانند حصن و حصاری، مانند یک حاجب (۳) در مقابل تهاجمات دشمن برای کشورشان و برای ملتشان عمل کنند، کار کنند، فعالیت کنند؛ چه مجموعه‌ی اقتصادی، چه مجموعه‌ی فرهنگی، چه مجموعه‌ی علمی و تحقیقاتی، و چه مجموعه‌های نظامی؛ هدف همه این باشد. کارها مختلف است اما هدف یکی است. بنابراین اگر هدف، حفظ و حراست از امنیت ملی، از عزت ملی، از توسعه و پیشرفت کشور، از حفاظت کشور از شرّ دشمنان باشد، آن وقت سازمانهای نظامی و سازمانهای دانشگاهی و سازمانهای تحقیقاتی و سازمانهای فرهنگی و سازمانهای اقتصادی، همه‌وهمه در واقع نیروهای عظیمی



هستند که دارند با هم کار میکنند؛ به یکدیگر کمک میکنند، همدیگر را تکمیل میکنند، به چشم رقابت به هم نگاه نمیکنند، به چشم حسادت به هم نگاه نمیکنند. [در این صورت] در کشور یک چنین انسجامی به وجود می‌آید. این آن چیزی است که ما روی آن تکیه میکنیم.

بنده شعارهای اقتصادی را در این دو سه سال اخیر برجسته کرده‌ام، برای اینکه احساس کردم دشمن از این ناحیه میخواهد ضربه بزند به این مجموعه‌ی عظیم ملی. وقتی ما مشکل اقتصادی داشته باشیم، بخشهای مختلف نخواهند توانست کارهای درست خودشان را انجام بدهند، لذا باید ببینیم در این مجموعه‌ی وظایفی که بر عهده‌ی مسئولان کشور، دولت، قوای سه‌گانه و سازمانهای مختلف است، آن نقطه‌ی حساس و کلیدی، امروز چیست؟ ممکن است امروز یک نقطه‌ی کلیدی باشد، فردا نقطه‌ی دیگری نقطه‌ی کلیدی باشد. امروز تقویت اقتصادی در کشور، یک نقطه‌ی کلیدی و دارای اولویت است؛ لذا است که بنده روی این تکیه میکنم، روی معیشت مردم تکیه میکنم، روی معیشت کارکنان دستگاه‌های مختلف تکیه میکنم، روی معیشت کارکنان نیروهای مسلح تکیه میکنم؛ اینها باید دنبال بشود، اینها باید با جدیت دنبال بشود؛ این به عهده‌ی مسئولین است. مسئولان اگر انگیزه‌های دشمن را نگاه کنند، انگیزه‌ی بیشتری برای این کار پیدا میکنند. ما وقتی حرفهای دشمنانمان را مطالعه میکنیم یا گوش میکنیم، می‌بینیم که آنها اتفاقاً روی همین نکته تکیه دارند میکنند تا بلکه بتوانند از نقطه‌ی ضعف اقتصادی و کمبودهای اقتصادی برای تخریب، برای اخلاص استفاده کنند. خوب، وقتی انسان این را میفهمد، انگیزه‌اش بیشتر میشود برای اینکه مسئله را جدی بگیرد.

اقتصاد مقاومتی که ما مطرح کردیم - که یک مجموعه‌ی کار است، یک مجموعه‌ی حرکت و اقدام است - چند نقطه‌ی کلیدی برای امروز و فردای نزدیک ما دارد که همان مسئله‌ی اشتغال است و مسئله‌ی تولید است. بنده به مسئولین هم، از نزدیک، به‌طور خصوصی، به‌طور مشروح، اینها را بیان کردم؛ اینها حرفهای من نیست؛ من که اقتصاددان نیستم؛ این حرف کارشناسان اقتصادی است، این حرف افراد زبده و برجسته‌ای است که در این زمینه فعالند و به ما مشورت میدهند؛ بنده هم نگاه میکنم سطح کشور را، می‌بینم این اولویت است. دشمن راه‌های طمعش را پیدا میکند. ما باید نگاه کنیم ببینیم انگیزه‌ی دشمن چیست، آن نقطه‌ی ضعفی که ممکن است دشمن از آن به ما ضربه بزند کجا است، آن را مسدود کنیم، آن را ببندیم؛ توقع بنده از مسئولین گوناگون بخشهای مختلف این است. مسئله‌ی اقتصاد از این جهت جزو مسائل با اولویت درجه‌ی یک است.

البته ما نقطه‌ی قوت خیلی داریم. نقطه‌ی قوت‌های نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران از لحاظ کیفیت و کمیت، به‌طور مضاعف بیش از نقاط مشکل‌دار و نقاط ضعف است. خیلی نقطه‌های قوت عجیب و فراوانی در ما هست که همین نقاط قوت، موجب شده است که کشور و نظام اسلامی با وجود دشمنی‌های عجیب و غریب که با آن شده است و میشود و خواهد شد، بتواند سربلند و با عزت بایستد و در مقابل دشمنان تسلیم نشود.

ببینید! شگرد کار ابرقدرت‌ها و قدرتهای بزرگ متجاوز تشر زدن است؛ این را بارها ما گفته‌ایم. قدرتهای متجاوزی که میخواهند در همه‌جا دست دراز کنند و همه‌جا دخالت کنند و به همه‌ی کشورها کار داشته باشند و در همه‌ی کشورها برای خودشان منافع تعریف کنند و اگرچنانچه آن منافع به هم خورد، بگویند فلان دولت، فلان کشور، فلان نظام با منافع ما برخورد کرده - یعنی در هر کشوری، در هر منطقه‌ای برای خودشان منافع تعریف میکنند بدون حق، بدون منطق، بدون یک استدلال صحیح؛ ابرقدرت‌ها این جوری هستند -، برای اینکه بتوانند این منافع را تأمین کنند



و دولتهای هر منطقه‌ای را بتوانند وادار به اطاعت کنند، از خودشان بزرگ‌نمایی میکنند، تشر میزنند، اخم میکنند. یادتان هست اخمهایی که بعضی از دولتهای قبلی آمریکا میکردند، حالا هم یک جور دیگر.

برای یک کشور بدترین موقعیت این است که مسئولین کشور از اخم و تهدید و تشر دشمن بترسند؛ اگر ترسیدند، در واقع در را برای ورود او و دخول او و تجاوز و تعرض او باز کرده‌اند. کار را با عقل و با منطق و با حکمت باید انجام داد، در این تردیدی نیست، اما با شجاعت باید انجام داد؛ با ترسیدن، با دلهره، با تحت تأثیر تشر و بداخلاقی و اخم و گره ابروان قدرتمندان صاحب قدرت در دنیا قرار گرفتن، تحت تأثیر اینها واقع شدن، اول بدبختی است. خب کسی میخواهد بترسد، بترسد اما از طرف مردم نترسد؛ به حساب مردم نترسد. ملت ایستاده‌اند. اگر ملت ایستاده نبود، از سال ۱۳۵۷ تا امروز که حدود چهل سال دارد میگذرد و انواع و اقسام توطئه‌ها علیه ما به کار گرفته شده است و پول خرج شده و سلاح تولید شده و تهدید و سیاست و مانند اینها؛ اگر بنا بود که جمهوری اسلامی از اینها ملاحظه میکرد، میترسید، عقب‌نشینی میکرد، باید اثر و نشانی از ایران و ایرانی باقی نمیماند. دشمن -چه آمریکا و چه بزرگ‌تر از آمریکا- در مقابل نظامی که با مردم خود متصل است، مردم خود و ملت خود را دوست میدارد و ملتش او را دوست میدارند، در مقابل یک چنین نظامی و یک چنین مردمی که در مقابل دشمن مقاومند، هیچ غلطی نمیتواند بکند.

البته در دشمنی اینها هیچ تردیدی نیست؛ در اینکه تدبیر میکنند، فکر میکنند، دشمنی میکنند، دستگاه‌های مختلفشان را به کار می‌اندازند؛ در تمام این مدت قریب چهل سال، این دشمنی‌ها بوده؛ هر دولتی سر کار بوده، این دشمنی‌ها را کرده‌اند. اینکه بگوییم با فلان آدم موافقت، با فلان آدم مخالفند، از فلان آدم ملاحظه میکنند، نخیر. زمان امام (رضوان الله علیه) همین دشمنی‌ها بود، بعد از رحلت امام که بنده مسئولیتی پیدا کردم، همین دشمنی‌ها بود، تا امروز هم هست. دولتهای مختلف با مذاقهای مختلف، با سلیقه‌های مختلف آمدند، رفتند، و در همه‌ی این احوال این دشمنی‌ها بوده. آن چیزی که جلوی این دشمنی‌ها را توانسته است بگیرد، اقتدار ملت ایران، ایستادگی ملت ایران، تأثیرناپذیری ملت ایران از تشر ابرقدرتانه‌ی آمریکا و امثال آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی و مانند اینها بوده؛ این باید ادامه پیدا کند؛ و این اگر بنا شد ادامه پیدا کند -که باید این حالت، این روحیه، این اقتدار ادامه پیدا کند- یک بخش مهم‌ش به عهده‌ی شما است که ارتش جمهوری اسلامی هستید، بخش عمده‌ای مربوط به اقتصاديون است، بخش عمده‌ای مربوط به عناصر مربوط به فرهنگ و آموزش و مانند اینها است، بخش بسیار مهمی مربوط است به کسانی که متصدی کارهای علمی و تحقیقات و علم و پیشرفت علمی و مانند اینها در کشور هستند. همه باید دست به دست هم بدهند؛ خدای متعال هم کمک خواهد کرد، همچنان که تا امروز کمک کرده.

رحمت خدا بر شهیدان عزیز ما. امروز خانواده‌های بعضی از شهدای عزیز ارتش هم اینجا حضور دارند. این شهیدان هرگز از یاد ما نخواهند رفت؛ شهیدان از یاد ملت ایران نخواهند رفت و مردم عزیز ایران، ملت بزرگ ایران با روحیه‌ی ارادت به شهیدان و گرایش به شهیدان، فعالیت خواهند کرد.

خب، الحمدلله به یک نحوی گردونه‌ی انتخابات هم به راه افتاده است؛ اگرچه هنوز به قسمت اصلی انتخابات نرسیده‌ایم اما مقدمات انتخابات شروع شده. انتخابات یکی از افتخارات ملت ایران است. این انتخابات مایه‌ی عزت و سربلندی و روسفیدی ملت ایران در دنیا پیش ملتها است. همه‌ی بدخواهان و دشمنان اسلام سعی میکردند دین و اسلام و معنویت را نقطه‌ی مقابل مردم‌سالاری نشان بدهند؛ جمهوری اسلامی نشان داد که نخیر، ما چیزی داریم



به نام «مردم‌سالاری اسلامی»؛ مردم‌سالاری است و درعین حال اسلامی است و از هم تفکیک‌پذیر هم نیست. این انتخابات نشان‌دهنده‌ی این است: مردم‌سالاری اسلامی. مایه‌ی افتخار است، مایه‌ی روسفیدی است، مایه‌ی عزت است، مایه‌ی قدرت است؛ ملت هم در انتخابات احساس می‌کنند که کلید کارهای کشور دست خودشان است. احساس می‌کنند آنها هستند که می‌توانند معین کنند عناصر اصلی کشور را؛ این خیلی مهم است.

البته تا روز انتخابات مجال هست و اگر زنده بودیم باز عرایضی عرض خواهم کرد به مناسبت‌های دیگر، [اما] آنچه امروز عرض می‌کنم این است: همه باید قدر انتخابات را بدانند؛ دولتی‌ها بدانند، نامزدهای انتخاباتی بدانند، مردم بدانند، دست‌اندرکاران خود انتخابات بدانند؛ قدر انتخابات را بدانند. انتخابات را گرامی بداریم. انتخابات باید سالم، با امنیت، با سلامت و با گستردگی انجام بگیرد. اگرچنانچه این اتفاق افتاد که ان شاء الله به توفیق الهی همین جور هم خواهد شد علی‌رغم دشمنانی که دائم وسوسه می‌کنند، دائم زمزمه می‌کنند - کسانی که این رادیوهای بیگانه و رسانه‌های بیگانه را می‌بینند که امروز دیگر رادیو در مقابل گستره‌ی رسانه‌ها چیز کوچکی است، میدانند که دشمنان چطور دارند وسوسه می‌کنند که یک جوری انتخابات را خراب کنند - و ملت ایران ان شاء الله با همین بیداری، با همین هوشیاری که همیشه نشان داده‌اند در مقابل این حرکت خصمانه، همین جور ان شاء الله پیش بروند و یک انتخابات گسترده، بانشاط، با شور و شوق و سالم و همراه با امنیت ان شاء الله اتفاق بیفتد، این برای کشور یک ذخیره‌ای خواهد بود و خود این، کشور را مصونیت بسیاری خواهد داد که امیدواریم ان شاء الله همین جور هم بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، امیر سرلشکر عطاءالله صالحی (فرمانده ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳
- ۳) نگهبان، دربان